

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد حضرت علی علیه السلام - ۱۷ / مرداد / ۱۳۸۵

بسم الله الرحمن الرحيم

میلاد مسعود امیر مؤمنان و امام پرهیزگاران و ستاره‌ی درخشان آسمان عدل و انصاف و انسانیت، علی ابن ابی طالب (علیه الصّلاة والسّلام)، را به همه‌ی امت اسلامی و به ملت عزیز ایران و بخصوص به شما حضار محترم، که از نقاط مختلف تحمل زحمت کردید و این جلسه‌ی شیرین و باشکوه را تشکیل دادید، تبریک عرض می‌کنم.

محبت به امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة والسّلام) و ارادت به این مرد بزرگ تاریخ بشریت و تاریخ اسلام، نه مخصوص شیعیان است، نه حتی مخصوص به قاطبه‌ی مسلمانان؛ بلکه این چیزی است که آزادگان عالم در آن با مسلمانان شریکند. شما می‌بینید که شخصیتهایی که مسلمان هم نیستند، درباره‌ی این چهره‌ی درخشان و خورشید تابناک اظهار ارادت می‌کنند، کتاب می‌نویسند، شعر می‌گویند. خیلی خطاست اگر امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب در بین مسلمانان یک وسیله‌ی اختلاف قرار بگیرد. آن بزرگوار شخصیتی است که همه‌ی مسلمانان و همه‌ی فرق اسلامی نسبت به او با همه‌ی وجود و با دل و جان، ارادت و محبت می‌ورزند. این علاقه و محبت از برجستگیها و صفات و خصالی ناشی می‌شود که هر انسان منصفی در مقابل این خصال، خاضع است؛ قدر جامع و قدر مشترک، این است.

ایمان مخلصانه، جهاد فداکارانه، ذوب شدن در امر ونهی الهی، اطاعت و عبودیت مطلق در مقابل خداوند، بی‌اعتنایی به زخارف دنیوی و جهات مادی، رحم و انصاف و عدالت نسبت به عموم مردم، نگاه عطفت آمیز به مظلومان، به ضعیفان، به مستضعفان، ایستادگی و قاطعیت در مقابل دشمنان دین، رفتن به دنبال وظیفه در همه‌ی شرائط و با هر گونه سختی و دشواری؛ اینها کلمات حکمت آمیزی است که بشر دیروز و امروز و فردا به این کلمات نیازمند است. نهج البلاغه‌ی امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة والسّلام) درس همیشه‌ی بشریت است. این شخصیت ظاهری امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة والسّلام) است که چشم کوته بین ما می‌تواند آن را ببیند و حسن کند و زیبایی‌های آن را ادراک کند. ابعاد معنوی و قدسی و ملکوتی، مخصوص قدیسین و مخصوص صدیقین است، که آنها می‌بینند؛ و چشمهای ما توانایی ندارد که مانند اولیاء الله و بندگان مقرب الهی آنها را درک کنند. امروز سالگرد ولادت یک چنین شخصیتی است و البته عید است.

طلوع هر ستاره بی در آسمان تاریخ بشر برای انسانها یک عید است. ولادت هر یک از برجستگان بشریت، از اولین و آخرین، آن کسانی که راه سعادت را در مقابل مردم باز کردند و در این راه تلاش کردند، یک عید جداگانه برای انسانهاست. این عید برای مسلمین همیشگی است.

ما امروز بعد از گذشت قرن‌های متمادی، با این عید، با این پدیده، چگونه باید برخورد کنیم؟ اسم علی را بردن، که کافی نیست؛ خود را منتبه به او دانستن، که کفایت نمی‌کند؛ ما که شخصیتهای بزرگ تاریخ و پیشوایان دینی و انبیاء و اولیاء را فقط به عنوان یادگارهای تاریخی نمی‌شناسیم؛ اینها درستند؛ اینها الگویند؛ اینها دستگیر و راهنمای قدم به قدم زندگی اند. ما چه درسی از اینها می‌گیریم؟ این، مهم است. امروز امت اسلامی از امیرالمؤمنین

و از وجود مکرم نبی اعظم اسلام (صلی الله علیه وآلہ) و از دیگر بزرگان راه روشن الهی چه درسی را باید بگیرد؟ کدام سرمشق را در زندگی باید عمل کند؟ این، مهم است. با این نگاه، به امیرالمؤمنین باید نگاه کرد.

آنچه مسلم است، این است که اینها مظہر تلاش در راه خدا و دین او بودند. «اشهد ائم جاهدت فی الله حقّ جهاده و عملت بكتابه و اتبعت سنن نبیه صلی الله علیه و آله»؛ شهادت می‌دهیم که او جهاد در راه خدا را به صورت شایسته انجام داد. این، چیزی است که ما در زیارت امیرالمؤمنین و بقیه ائمه (علیهم السلام) می‌خوانیم. این جهاد همیشه بر دوش ما هست. جهاد علمی، جهاد در دوران جنگ، جهاد در دوران صلح، جهاد با نفس، جهاد با دشمن بیرونی، جهاد با مال، جهاد با جان، جهاد با زبان؛ اینها درس است. کاری که می‌کنید برای اعتلاء دین یا اعتلاء امت اسلامی، جهاد است؛ درسی که می‌خوانید برای رسیدن به ارتقاء عمومی ملت اسلامی و امت اسلامی، جهاد است؛ تلاشی که می‌کنید برای ایجاد همدلی و محبت بین آحاد امت اسلامی و یکپارچگی آنها، جهاد است؛ وقتی با تمایلات اغواگرانه‌ی شیطانی در درون خودتان مبارزه می‌کنید، جهاد است؛ هنگامی که دشمنان خدا و دین و قرآن را در دل یا در زبان و یا در عمل خود دشمن می‌دارید، جهاد فی سبیل الله است؛ اینها درس امیرالمؤمنین و درس اولیاء دین است - جهاد، فقط مخصوص میدان جنگ نیست - و امت اسلامی به خاطر فراموش کردن مجاهدت در راه خدا به وضعیت اسفبار امروز رسیده است.

امت اسلامی پیش رو علم و مدنیت و اخلاق و گسترش نشانه‌های انسانیت در دورانهای طولانی در تاریخ بود. امروز امت اسلامی دچار تفرقه است، دچار ضعف است، دچار عقب ماندگی است؛ کفار و دشمنان دین در سیاست و در امور زندگی او دخالت می‌کنند؛ به او ظلم می‌کنند و او نمی‌تواند از خودش دفاع کند. این، ضعف و انحطاط دنیای اسلام بر اثر فراموش کردن مجاهدت در راه خداست. نمی‌گوییم چرا شمشیر دست نگرفته اید و وقت و بی وقت با دشمن نجنگیده اید - جنگ هم یکی از انواع جهاد است - می‌گوییم ما چرا از شناسایی دشمن غافل شده ایم؟ از نقشه‌های دشمن غافل شده ایم؟ از کید دشمن غافل شده ایم؟ چرا فریب دشمن را خورده ایم؟

امروز روز سیزدهم رجب و روز عید است؛ اما دل ما در حقیقت عید ندارد؛ چون پیکر امت اسلامی خون آلود است. به لبنان نگاه کنید و ببینید چه خبر است؛ به فلسطین نگاه کنید و ببینید در فلسطین چه می‌گذرد؛ به عراق نگاه کنید؛ به افغانستان نگاه کنید؛ امت اسلامی نمی‌تواند دلخوش باشد. این، ضعفهای ماست.

در همین روزها، دو پدیده‌ی تلخ در امت اسلامی ظاهر شد، که هر کدام از این دو، جا دارد که مسلمان را به فکر فرو ببرد؛ امت اسلامی بایستی خود را ملامت کند؛ و توبه کند. یکی از دو پدیده، همین فجایعی است که در لبنان و در فلسطین پی دری انجام می‌دهند. الان نزدیک یک ماه است که گرگ درنده‌ی وحشی آدمیخوار صهیونیست به جان مردم لبنان افتاده است؛ از «حزب الله»، مجاهد فی سبیل الله، توده‌نی می‌خورد؛ ولی بر روی سر کودک مسلمان در «قانا» و در بقیه‌ی نقاط لبنان بمب می‌ریزد؛ با رزم‌ندگان مجاهد فی سبیل الله نمی‌تواند مقابله کند؛ شکست می‌خورد؛ تلافی اش را سر مردم بی‌گناه، انسانهای مظلوم، کودکان، خانه‌های مردم، زیربنایهای کشور، در می‌آورد. این، یک مصیبت بزرگ است. مثل همین، در «غزه» و در بقیه‌ی مناطق فلسطینی نشین در جریان است. این، آن چیزی است که باید همه‌ی مسلمانها را هشیار کند و به خود بیاورد. دنیای استکبار و کفر هم نه فقط ساکنند، بلکه رفتاری و گفتاری از آنها سر می‌زند که متجاوز و ظالم را تشویق می‌کند؛ امریکا یک جور، انگلیس خبیث یک جور، برخی از قدرتهای دیگر، هر کدام به یک نحوی؛ سازمان ملل هم با ناتوانی و بی‌عرضگی کامل ایستاده است و تماساً می‌کند!

آن وقت ادعای حقوق بشر و ادعای مدنیت و ادعای مبارزه‌ی با تروریسم هم می‌کنند این منافقین دور روی سیاه‌دل، و خجالت هم نمی‌کشند. این، یکی از آن چیزهای عبرت انگیز است.

این قضیه‌یی که برای لبنان و به طور خاص برای شیعیان آن پیش آورده‌اند، برای همه‌ی ملت‌ها و کشورها و فرق اسلامی ممکن است پیش بباید؛ نمی‌شود به قدرت‌ها چشم دوخت. امت اسلامی باید بتواند از خودش دفاع کند؛ باید بتواند موجودیت خود را حفظ کند.

بارها دیده شده است، امروز هم مکرراً دیده می‌شود، که قدرت‌های مستکبر عالم، آن وقتی که پای مسلمانها در میان است، چشم بر روی هر جنایتی که علیه مسلمانها انجام شود، می‌بنند. این مسأله در بوسنی دیده شد، در کوزوو هم دیده شد، در افغانستان هم دیده شد، در عراق هم دیده شد، امروز هم نوبت لبنان است. فلسطین هم ساله‌است که در همین وضعیت است. برای آنها شیعه و سُنّی و عرب و عجم تفاوت نمی‌کند؛ هر جا زورشان برسد، هر جا مانعی در مقابل خود نبینند، هر جا مشتی به دهان آنها نخورد، جلو می‌آیند. امت اسلامی و ملت‌های اسلامی باید این را درک کنند و بفهمند؛ باید خود را قوی کنند. این، یک پدیده از دو پدیده است، که حقیقتاً عبرت انگیز است و ذهن مسلمان نمی‌تواند از آن غافل بماند و به آن مشغول نباشد.

پدیده دوم که از این هم بدتر است، تفرقه دولتهای اسلامی است. شما ببینید قریب یک ماه است که دشمنان اسلام این طور جنایتکارانه به یک جمع مسلمان حمله می‌کنند - یک جنگ معمولی هم نیست؛ جنگی است سرشار و لبریز از جنایتهای جنگی، کشتار مردم بی دفاع، استفاده ای از سلاحهای منوع و غیرقانونی - اما دولتهای اسلامی، بخصوص برخی از دولتهای عرب، دست روی دست گذاشته‌اند، دارند نگاه می‌کنند! این اشتباه، بسیار خسارتبار است. این دولتها ملاحظه‌ی امریکا و ملاحظه قدرت‌های استکباری را می‌کنند؛ اما آنها در هنگام خود، ملاحظه اینها را نخواهند کرد. دشمن هم البته فعال است و مسأله‌ی شیعه و سُنّی یکی از ابزارهای مهم دشمنان برای زمینگیر کردن امت اسلامی است. هم سُنّی‌ها بدانند، هم شیعه‌ها بدانند؛ همه، در ایران و در دنیای اسلام، این را بدانند که اختلاف شیعه و سُنّی یکی از ابزارها و چماق‌های دشمن علیه امت اسلامی است. آنها هر جور بتوانند، از این ابزار استفاده می‌کنند. آن روزی که سُنّی فلسطینی زیر فشار است، یک عده ای را با این شعار، با این تبلیغات، که: اینها سُنّی هستند، شما شیعه هستید؛ سعی می‌کنند نگذارند کمک کنند. امروز که شیعه‌ی لبنان زیر فشار است، به یک عده ای می‌گویند: شما سُنّی هستید، اینها شیعه هستند؛ به آنها کمک نکنید. آنها نه به شیعه احترامی می‌گذارند، نه به سُنّی؛ آنها با اصل اسلام طرفند.

سم مهلك دنیای اسلام تفرقه است. این تفرقه، ملت‌ها را از هم جدا می‌کند. الان دشمن، و همین سرویسهای جاسوسی اسرائیل و امریکا، در عراق یک عده ای را تحریک می‌کنند که با شیعیانی که در عراق اکثریت را دارند - حالا امروز اکثریت دولت متعلق به آنهاست - مقابله و مبارزه کنند؛ نالمنی ایجاد کنند؛ و این نالمنی را وسیله ای قرار می‌دهند برای این که پای خودشان را در عراق و در بغداد مستحکم کنند. امریکا برای ماندن در عراق بهانه لازم دارد و این بهانه، نالمنی است. آنها برای این که دولت عراق نتواند به خدمات لازم بپردازد، این اوضاع نالمن را در کشور به وجود می‌آورند، تا بهانه داشته باشند که بمانند. اختلافات را آنها به وجود می‌آورند: دل سُنّی را نسبت به شیعه، دل شیعه را نسبت به سُنّی آن چنان چرکین می‌کنند که نتوانند با این همه مشترکات، کنار هم قرار بگیرند. این، کار دشمن است. چرا ما این حقیقت را نمی‌فهمیم؟ سالهای متمادی است - از زمان مرحوم

آیت الله بروجردی (رضوان الله تعالى عليه) و بعضی از بزرگان علمای اهل سنت در مصر - که این فکر پیدا شده که بیایید اختلافات را کنار بگذارید؛ سنی، سنی بماند؛ شیعه، شیعه بماند؛ عقاید خودتان را داشته باشید؛ اما با هم، دست در دست هم بگذارید. قرآن از زبان پیامبر اکرم به مسیحیان آن زمان می‌گوید: «تعالوا الى الكلمة سواء بيننا وبينكم الا نعبد الا الله و لا نشرك به شيئاً». آن وقت فرقه‌های مسلمان، با خدای واحد، پیغمبر واحد، قرآن واحد، قبله‌ی واحد، عبادت واحد، این همه مشترکات و مسلمات، چند موضوع مورد اختلاف را وسیله قرار بدهند برای دشمنی! این، خیانت نیست؟ این، غرض ورزی غافلان نیست؟ هر کسی که در این زمینه تقصیری بکند، پیش خدای متعال مؤاخذ است؛ چه شیعه باشد، چه سُنّی.

امروز دفاع از حزب الله لبنان، بر همه‌ی جامعه اسلامی واجب است. ما با بصیرت مسأله را نگاه می‌کنیم و برای ما روشن است که استکبار چه کار می‌کند. ما در قضیه‌ی فلسطین هم به همان استحکامی ایستاده ایم، که در قضیه‌ی لبنان یا در قضیه‌ی عراق یا در قضیه‌ی افغانستان. ما می‌بینیم که استکبار امریکایی با همراهی بعضی از دولتهاي خبیث اروپایی - مثل انگلیس که جزو سیاه چهره ترین دولتها و بدnam ترین آنها در این منطقه است - و با همکاری صهیونیستهای ظالم و سفالک، تصمیم دارند ریشه‌ی اسلام را از این منطقه براندازند؛ چون می‌بینند که اسلام در مقابل مطامع آنها ایستاده است. با تشکیل نظام جمهوری اسلامی و با بلند شدن پرچم اسلام در این منطقه، فهمیدند که اسلام زنده است. امروز احساسات اسلامی و تمایل برای مجاهدت در راه اسلام در همه‌ی کشورهای اسلامی و در تمام این سرزمین‌بزرگ و پهناور و حساس - از ساحل اقیانوس اطلس تا ساحل اقیانوس آرام - زنده است. مردم شمال آفریقا، مردم خاورمیانه، مردم آسیا، مردم شرق آسیا، تا هر جا مسلمانها هستند، میل به احیاء هویت اسلامی و عزت اسلامی در آنها زنده است؛ نمی‌توانند این را از بین ببرند؛ ولی تلاش می‌کنند. ما باید بیدار باشیم؛ ما باید هشیار باشیم. یک نمونه‌ی از ایستادگی اسلامی و مجاهدت اسلامی را شما امروز در لبنان مشاهده می‌کنید. این همان ارتش بی‌رحم جرار صهیونیستی است که یک روزی به عنوان ارتش شکست ناپذیر معروف بود و در ظرف شش روز، ارتشهای سه کشور اسلامی را شکست داد؛ اما امروز یک ماه است که با همه‌ی توان و با استفاده از تسليحات امریکایی و کمک نظامی امریکا، خود را می‌کشد و مرتب از یک گروه مؤمن مجاهد «لاتأخذه في الله لومة لائم»، توده‌نی می‌خورد. این، نشان دهنده این است که امت اسلامی اگر دل به خدا بسپارد، می‌تواند دشمنان اسلامی را متوقف کند.

پروردگار! شر دشمنان اسلام را از سر امت اسلامی کوتاه کن. پروردگار! ما را با وظائف خودمان در مقابله‌ی با دشمنان اسلام آشنا کن. پروردگار! وظیفه‌ی مجاهدت در راه خدا - آن چنان که شایسته است - و توفیق آن را به همه‌ی ما عنایت بفرما. پروردگار! دلهای مسلمانان را به هم نزدیک کن؛ دستهای آنها را در هم گره کن. پروردگار! مردم مظلوم لبنان را از شر لشکر قسی القلب و بی‌رحم و سنگدل دشمن نجات بده. پروردگار! رزمندگان مجاهد «حزب الله» را در کنف حمایت خودت حفظ کن؛ آنها را منصور و مؤید بفرما. پروردگار! عزت دنیای اسلام را روزبه روز بیشتر کن؛ ما را مشمول ادعیه‌ی زاکیه‌ی حضرت بقیة‌الله (ارواحنافدا) قرار بده؛ تعجیل در ظهور آن حضرت بفرما.

والسلام عليکم و رحمۃ‌الله و برکاته